

صلای عشق

شاعر:

اشالله صدیقی

۱۳۹۶

سروده: صدیقی، ماشاءالله، ۱۳۴۲ -
 عنوان و نام پدیدآور: صلاى عشق / شاعر ماشاءالله صدیقی،
 مشخصات نشر: کاشان: انتشارات سلمی نگین، ۱۳۶۹.
 مشخصات ظاهری: ۳۸۷ ص.
 شابک: ۲۵۰۰۰ ریال: ۱-6-978-600-96107-1
 وضعیت فهرست نویسی: فیفا
 یادداشت: چاپ قبلی: یاران مهدی (عج)، ۱۳۸۸.
 یادداشت: چاپ سوم.
 موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴
 موضوع: Persian poetry - 20th century
 رده بندی کتبه: ۱۳۹۶ ص ۸۱۳۱/۵۹۱۶ PIR
 رده بندی دیویی: ۸۱۳۱/۵۹۱۶
 شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۵۵۳۴

انتشارات سلمی نگین

نام کتاب: صلاى عشق
 ناشر: انتشارات سلمی نگین
 سروده: حجت الاسلام والمسلمین ماشاءالله صدیقی
 ویراستار: دکتر عباس بهنیا، سید حمیدرضا مسعودی
 حروف چین: حسین یوسفی
 صفحه آرا: هنگامه قهرمانی
 طراح جلد: سید امیرحسین علیزاده مخملی
 نوبت چاپ: (سوم)، اول ناشر ۱۳۹۶
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۱۰۷-۱-۶
 ISBN: 978-600-96107-1-6

کلیه حقوق مادی و معنوی اثر
 برای پدیدآورنده محفوظ
 می باشد.

آدرس: استان اصفهان، کاشان، خیابان امیرکبیر، فرعی امام زاده قاسم (ع)، کوچه الزهرا (س)،

تلفن: ۰۹۱۳۲۶۴۱۹۱۷

E-mail: mashaallahseddighi@yahoo.com



مقدمه

هنر مظهر تجلی جمال خداوند در حقیقت هستی و زیباترین جلوه ی هستی انسان است که مظهر تمام و کمال عظمت خالق می باشد. آینه ی تمام نمای بی نظیرترین هنر خداوند به مصداق "تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ" است. هنر آفرینشی است در گنه ذات هنرمند که اندک در خارج مشاهده می شود مصداقی است از آن همه عظمت و زیبایی که در درون اندیش زلال هنرمند تبلور یافته است. زیبایی و عظمت هنر با زیبایی و عظمت فطرت زلال هنرمند یک چیز است؛ بنابراین، هرچه ضمیر هنرمند زیباتر باشد آفرینش اثر هنری او زیباتر خواهد بود چرا که هنر هم زیباست و هم زیبایی آفرین است، هم نور است و هم نور آفرین، همانند هم دای نورانیتی است که جای آن فقط قلب سلیم است. "أَلْعِلْمُ نُورٌ يَقْدِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبٍ مِّنْ يَّشَاءُ" وری است که خداوند آن را در هر قلبی که بخواهد قرار می دهد.

لذا هر چه قلب نورانی تر باشد تداوم اثر علمی نورانی تر است. این همان سِرّ طراوت و شادابی و بقاء و حیات هنر و هنرمند است و از همین منبته است که اشعار دیوان امیرالمومنین (ع) روح انسان را نوازش می دهد به نحوی که انسان احساس می کند سُراینده هم اکنون با انسان سخن می گوید و از باب همان طریقت باطن است که اهل بیت (ع) شاعرانی چون کُمیت و دِعْبَل را تحسین می کنند و در دنیای علم و ادب و فرهنگ شاعران بزرگی چون حافظ شهره ی آفاق گشته اند. پس هر کس به مقدار توانایی خود تحفه ای به رسم هدیه به پیشگاه عزیز مقتدر و بی نیاز خود تقدیم کرده است بدان امید که مقبول حضرت دوست افتد به مصداق "يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسْنَا وَ أَهْلُنَا الضَّرُّ وَ جِئْنَا

بِبِضَاعِهِ مُزْجَاهُ فَأَوْفٍ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ^۱. آنچه در پیش روی شما خواننده گرمای قرار دارد؛ رَشحه‌ای است از عشق و علاقه به اهل بیت علیهم السلام و قابل نقد و نقادی که مورد پذیرش از سوی سُراینده قرار خواهد گرفت، گر چه بر خود لازم می‌دانم از باب "مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ"^۲ از دقت نظر و راهنمایی و همراهی برادر گرمای جناب آقای دکتر عباس بهنیا که به حق مشوق و یار و مددکار اینجانب در تنظیم و ارائه‌ی این اثر بوده‌اند و برادر گرانقدر جناب آقای سید حمید رضا ممدودی، کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی که با ظرافت خاص در زیبایی این اثر نقاشی و تر داشتند تقدیر و تشکر بنمایم و امید است که مورد الطاف خاصه حضرت حق قرار گیریم.

ماشاءالله صدیقی

بهار ۱۳۸۸

۱ - سوره ی یوسف، ۸۲، آیه ی، ۸۸

۲ - عیون أخبار الرضا(ع)، ج. ۲، ص. ۲۸۹

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

ملت ایران از دیدگاه ادبیات در میان ملتهای دیگر دنیا جایگاه ویژه ای دارد. این تمایز تشخیص از آن سبب است که موضوعاتی که شعر فارسی را شکل بخشیده‌اند به اندازه‌ای گوناگون و متنوع است که شاید در هیچ ملتی این تنوع موضوع را در شعر آنان یا نتوان یافت و یا در حدی نیست که بتوان با شعر فارسی مقایسه کرد.

برای مثال اگر اصناف و انواع شعر فارسی را از نظر مضمون و موضوع مورد بررسی قرار دهیم، به انواع و اشکال گوناگونی بر خواهیم خورد و شگفت آن که در هر یک از این انواع شاعرانی روبه‌رو می‌شویم که در آفرینش و ساختار هر یک از این مضامین گوی سبقت را از دیگران ربوده و سخن خویش را تا مرز جاودانگی به پیش برده‌اند.

اگر بخواهیم به یک یا یک این شاعران که هر کدام در موضوع یا شکل خاصی سخن خویش را آراسته‌اند، اشاره کنیم مطالبی وسیع‌تر می‌طلبد و این مقال را گنجایش آن نیست.

یکی از موضوعاتی که از دیر باز ذهن و طبع شاعران را به خود مشغول داشته و آنان را بدین سو گرایش داده است، مدح و منقبت‌نویسی در بیه سرائی و سوگنامه‌هایی است که در شأن خاندان پیامبر و امامان معصوم (ع) سروده شده است.

از آن زمان که ملت ایران دین اسلام و به دنبال آن دوستی علی و خاندان مطهر او را ز ژرفای جان پذیرا شد، شاخه‌ی مدح و مرثیه بر درخت تنار ادب فارسی روبه رشد و بالندگی نهاد و به دنبال آن شاعرانی نامدار و بلند آوازه پدیدار شدند و هر کدام با هنر خاص خویش کوشیدند تا با مضمون آفرینی‌ها و خیال پردازی‌های استثنای خویش این موضوع را هر چه آراسته‌تر در ادب پارسی شکل بخشند و همان گونه که گفته شد نام و یاد خویش را در تاریخ ادبیات این سرزمین برای همیشه ماندگار سازند.

اگر به دیوان شاعرانی چون ناصر خسرو، سنایی، عطار، مولوی، سعدی و ... در قرن‌های پیشین نظر بيفکنیم، مدح و ستایش بزرگان دین به ویژه شخصیت پیامبر گرامی اسلام و خاندان او را در جای جای آثار این بزرگان به وضوح مشاهده خواهیم کرد. خاقانی شروانی که یکی از بلند آوازه‌ترین شاعران قرن ششم و از بهترین قصیده سرایان در تاریخ

ادب ایرانی معرفی شده است، در قصائدی که در شخصیت پیامبر اسلام سروده به حسان العجم و یا حسان شعر فارسی شهرت یافته است.

در نیمه‌ی دوم قرن هفتم هجری بنا به گفته تذکره نویسان با شاعری کاشانی آشنا می‌شویم که سخنش سلسله جنبان شاعران دیگر اهل بیت و خاندان وحی نامیده شد. و شعر او به منزله‌ی فتح بابی است در این زمینه به گونه‌ای که سخن سرایان در دوره‌های بعد را بدین راه سوق داده است. او کسی جز ملا حسن کاشی نیست.

ملا حسن که زندگانش در آمل مازندران گذشته است، گروهی او را آملی یا مازندرانی می‌خوانند، در حالی که از سوی پدر و جد به کاشان تعلق دارد و اجداد وی همه کاشانی و در این شهر می‌زیسته‌اند. ملا حسن در پایان یکی از قصایدش این گونه خود را معرفی می‌کند:

مولد من آمل را ایش خورم مازندران

ز ره جد و پدر نسبت به کاشان می‌رود

در دوره‌ی صفویه که مذهب تشیع با عنوان مذهب رسمی ایران پای می‌گیرد حال و هوای دیگری در شعر چهره می‌نماید و آن تنها گروهی از سرایندگان آن روزگار موضوع مدح و منقبت و سوگ و مرثیه سرایی خاندان عصمت را وجهه همت خویش قرار داده و در این شیوه تا آنجا پیش می‌روند که شناخت عامه به مردم از این گروه شاعران تنها از دریچه اشعاری است که در مدح یا مصیبت اهل بیت سروده‌اند.

یکی از معروف‌ترین این گویندگان محتشم کاشانی است که دیوانی مشتمل بر قصاید و غزلیات و مقطعات و دیگر قالبهای شعری دارد شهرت و شهر او در گرو دوازده بندی است که در رثای حضرت امام حسین سید الشهداء (علیه السلام) سروده است و شاید بتوان گفت که اگر محتشم به ساختن این دوازده بند نپرداخته بود به چنان شهرتی که امروز در میان عارف و عامی دارد دست نیافته بود.

اگر بخواهیم به شاعران دیگری که بعد از محتشم به ویژه در کاشان به سرودن اینگونه شعر پرداخته‌اند اشاره کنیم باز سخن به درازا خواهد کشید بنا براین بایسته است که به یکی از مشهورترین آنان یعنی صباحی بیدگلی اشاره کنیم وی با سرودن چهارده بندی که به اقتضای محتشم سروده به حق گوی سبقت را از اقران خویش ربوده و حتی می‌توان

به صراحت گفت که در پاره‌ای از بندهای مذکور از محتشم نیز برتری یافته است. در دوره معاصر نیز کاشان در این زمینه شاعران بسیاری را در دامن خویش پرورده است تا جایی که شعر بسیاری از آنان از حلاوت و جذابیت خاصی برخوردار است.

سراینده‌ای که اکنون آثارش فراروی شماسست حجه الاسلام و المسلمین ماشاالله صدیقی است وی که در لباس روحانیت و مدرس دانشگاه است به خاطر شیفتگی و عشق به خاندان عصمت و طهارت مجموعه شعری را که اولین اثر شعری اوست و در مدح و رثای ائمه طاهرين سروده است در معرض قضاوت خوانندگان قرار داده است وی اگر چه در آغاز راه شعر و شاعری است و سخنش از سادگی و پیرایگی حکایت می‌کند اما به خاطر احاطه بر قرآن و حدیث و اخبار، شعرش بر مبنای احادیث معتبر که درباره ائمه اطهار آمده بنیاد نهاده شده این خود یکی از ویژگی‌های شعر اوست.

قالبه‌ای مختلف از مشرق و غرب ... برای سرودن انتخاب نموده است که به ابیاتی از جای جای کتابش اشاره کنیم.

در غزل گونه‌ای در ستایش حضرت صاحب الزمان (عج) چنین سروده است:

کجا جویم تو را ای جان هستی ... تو عنقایی تو عنقایی تو عنقا

تو در آینه پاک سرشکم چه یدایی چه پیدایی چه پیدا

در شعری با عنوان "خلوت آینه‌ها" چنین می‌گوید:

گر تو پنداری مرا جز تو نگاری هست نیست

چشم بیمار تو را آینه داری هست نیست

گر تو پنداری که از شوق وصال تو به تن

جان شیدای مرا صبر و قراری هست نیست

گر تو پنداری مرا در خلوت آینه‌ها

جز تو بر زخم دلم مرهم گذاری هست نیست

در ره عشقت همه آینه‌ها جان می‌دهند

گر تو پنداری که چون من جلن‌نثاری هست نیست

در مثنوی نینوا می‌گوید:

نینوا یعنی چو نی نالان شدن از نیستان رفتن و گریان شدن

نینوا یعنی چو ابر نو بهار گریه کردن در غم فقدان یار
 نینوا یعنی روان خون از بصر چشم را پر کردن از خون جگر
 در ستایش حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (س) این گونه می‌سراید:
 آیه‌ی ناب هل اتی زهرا چشمه‌ی نور کبریا زهرا
 جان احمد عصاره‌ی خلقت باعث وحی هل اتی زهرا
 علت خلق احمد و حیدر لنگر ارض وهم سما زهرا
 حامی باب و یاور حیدر مظهر عشق مرتضی زهرا

با آرزوی موفقیت و بهروزی برای حجه الاسلام و المسلمین جناب آقای ماشالله
 صدیقی.

دکتر عباس بهنیا - کاشان

www.ketab.ir

فهرست

۲۱	غزلیات
۲۳	غم هجر
۲۵	سرو خرامان
۲۷	حسرت دیدار
۲۹	خنده‌ی مستانه
۳۱	یوسف کنعان
۳۳	کربلا
۳۶	جان هستی
۳۸	بضعه‌ی پاک نبی
۴۱	کوی لیلا
۴۲	زهرا
۴۳	نرگس مستانه
۴۵	مه تابان
۴۷	یوسف مصری
۴۹	دم عیسی
۵۱	شراب ناب
۵۲	سیر خلقت
۵۵	برج عصمت
۵۷	خلوت آینه‌ها
۵۹	نغمه‌ی یاهو
۶۱	شام هجران
۶۳	سیمای جوان
۶۵	غنچه‌ی داودی
۶۷	عشق هستی
۶۹	شب هجران
۷۰	چهره‌ی زیبا
۷۱	ماه عشاق
۷۲	آغوش مهر
۷۴	شعله‌ی وصال

۷۶.....	نسیم صبحگاهی.....
۷۷.....	چشمه‌ی عشق.....
۷۹.....	کلبه‌ی احزان.....
۸۰.....	غنچه‌های آشنا.....
۸۱.....	لحظه‌ی دیدار.....
۸۳.....	ره بی نشان عشق.....
۸۴.....	آسمان عشق.....
۸۶.....	مرز دلها.....
۸۸.....	طور سحر.....
۹۰.....	شمیم عطر.....
۹۲.....	محرم.....
۹۴.....	عشق خراسانی.....
۹۶.....	چهره‌ی زیبا.....
۹۷.....	نغمه‌ی عشق.....
۹۸.....	مسیحا نظر.....
۱۰۰.....	پیر طریقت.....
۱۰۱.....	شمس هدی.....
۱۰۳.....	خنده‌ی مستانه.....
۱۰۵.....	درد دل دیوانه.....
۱۰۷.....	لعل لب.....
۱۰۸.....	سودای نگاه.....
۱۱۰.....	شراب عمر.....
۱۱۲.....	عشق مجازی.....
۱۱۳.....	صبح دولت.....
۱۱۵.....	اشک شوق.....
۱۱۷.....	گل قرآن.....
۱۲۰.....	راه وصال.....
۱۲۱.....	شمس عشق.....
۱۲۳.....	آب بقاء.....
۱۲۴.....	قد رعنا.....

۱۲۶		سینای عشق
۱۲۹		زمزمه ی عشق
۱۳۱		بیمار عشق
۱۳۳		می ناب
۱۳۵		رُخ لیلایی
۱۳۷		عروج یاران
۱۳۹		شام یلدایی
۱۴۱		نگاه مه جبین
۱۴۳		آتش عشق
۱۴۵		زلف مشکین
۱۴۶		آیت سبحانی
۱۴۷		نگاه مهریان
۱۴۹		عصاره هستی
۱۵۱		جام الست
۱۵۳		کعبه ی عشق
۱۵۵		کوچه ی عشق
۱۵۶		نور خدا
۱۵۷		جام بلور
۱۵۹		صلای عشق
۱۶۱		مشک تر
۱۶۳		جام بلورین
۱۶۴		پیرجماران
۱۶۶		محراب دعا
۱۶۷		صفای جان
۱۶۸		روضه ی وصل
۱۷۰		آیینه ی جان
۱۷۲		جام لقا
۱۷۳		زیبای ناپیدا
۱۷۴		مخمل سبز
۱۷۶		خَم ابرو

۱۷۸	قبله‌ی راز
۱۸۰	صدف دیده
۱۸۱	ساغر مستی
۱۸۳	دایره عشق
۱۸۵	بنده‌ی عشق
۱۸۷	عشق زمانه
۱۸۹	زلف سیاه
۱۹۱	شمس منیر
۱۹۳	جمال دلربا
۱۹۴	گل اشک
۱۹۵	آتش هجر
۱۹۷	دامن وصال
۱۹۹	چشم نرگس
۲۰۰	عطر شباب
۲۰۱	شاخه طوبی
۲۰۳	جام شهود
۲۰۵	پرواز
۲۰۷	خیمه‌ی عشق
۲۰۹	آیین‌ی طهور
۲۱۱	شور جوانی
۲۱۳	جرعه‌ی عشق
۲۱۵	کلاس عشق
۲۱۷	امیر کاروان
۲۱۸	روح خدا
۲۱۹	چشمه‌ی خورشید
۲۲۰	ولای یا علی
۲۲۱	خال مشکین
۲۲۳	روح مسیحایی
۲۲۵	سایه‌ی رعنائی
۲۲۷	تشنه‌ی عشق

۲۲۹	 منوی ها
۲۳۱	 می قالوا بلا
۲۳۳	 سنخیت صدیقه صغری زینب کبری (س) با حسین بن علی (ع)
۲۳۶	 درمان طبیب با می عشق
۲۳۹	 شهادت
۲۴۱	 مهدی (عج)
۲۴۳	 غدیر عشق
۲۴۵	 شور لیلایی
۲۴۸	 نوای الصلا
۲۵۰	 خم میخانه
۲۵۲	 جام صبر
۲۵۵	 می باقی
۲۵۷	 مینوی ناب
۲۵۹	 بن طوبی
۲۶۲	 مرز آفتاب عالم در
۲۶۴	 عشق حق
۲۶۵	 لحظه ی یوم الست یوسف و زلیخا
۲۶۸	 سنخیت یوسف با زلیخا
۲۷۱	 فاطمه خیر الوری
۲۷۲	 عشق آموزی سلیمان
۲۷۵	 شقایق های تر
۲۷۶	 محراب نماز
۲۷۸	 پور موسی (ع)
۲۸۱	 ساقی کوثر
۲۸۵	 عصمت حق، اعجاز فاطمه (س)
۲۸۷	 میر عارفان
۲۸۹	 رُخ جانانه
۲۹۲	 عرفان محض
۲۹۴	 عشق طه
۲۹۷	 عطر ایمان

۳۰۳	چشمه ی عرفان
۳۱۰	نور شفق
۳۱۳	باران مهر
۳۱۴	معنی کوثر
۳۱۷	اسوه ی تقوی
۳۱۹	موج انتظار
۳۲۱	غنچه ی خنده
۳۲۳	رمضان
۳۲۵	هشتم شوال
۳۲۷	نینوا
۳۲۹	عطر طوبی
۳۳۱	شیعه
۳۳۳	رنگین کمان
۳۳۴	سوم خرداد
۳۳۶	گل نیلوفری
۳۳۸	الطاف جلی
۳۴۰	صبح سعادت
۳۴۲	عطر شقایق
۳۴۴	حریم عشق
۳۴۶	حدیث سخا
۳۴۹	مار و ماهی
۳۵۰	مرز جنون
۳۵۲	امیر مؤمنان
۳۵۴	آب حیات
۳۵۵	حرمت آینه ها
۳۵۶	غدیر
۳۵۷	نفس هل آتی
۳۵۹	جام نور
۳۶۲	خم صهبا
۳۶۳	درد هجران

۳۶۴	جام دل
۳۶۶	می وصل
۳۶۷	بُضعه ی پاک نبی
۳۶۹	نور پاک هل آتی
۳۷۰	فاطمیون
۳۷۲	حرف نهان
۳۷۴	رحمه للعالمین
۳۷۶	آفتاب احمدی
۳۷۷	پیوست ها
۳۷۹	آیات
۳۸۳	احادیث
۳۸۵	واژگان دشوار
۳۸۷	آثار مؤلف